

شیخ سیاست؛ اندیشه‌ها و فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی علامه محمدحسین کاشف الغطاء

علی حائری مجد

دانشجوی دکتری تاریخ اسلام گرایش تشیع اثنی عشری، دانشگاه ادیان و مذاهب اسلامی، قم، ایران
Alimajd1404@gmail.com

چکیده

شیخ محمدحسین کاشف الغطاء، از مصلحان سده اخیر جهان اسلام و از جمله فقیهان تأثیرگذار و برجسته در تحولات سیاسی اجتماعی در دنیای اسلام و به خصوص کشور عراق به‌شمار می‌رود. وی با افکار و اندیشه‌های فقهی - سیاسی خود، نقش بسزایی در بیداری امت اسلامی ایفا کرد. در این پژوهش سعی شده است به روش توصیفی - تحلیلی اجمالی از نظرات فقهی و افکار و اندیشه‌های سیاسی - اجتماعی این عالم شیعی بررسی شود. ایشان، افزون بر تدریس و نگارش آثار مفید و مرجعیت دینی شیعیان، به فعالیت‌های گسترده‌ای در مناطق گوناگون جهان اسلام (با توجه به تحرکات دولت‌های استعماری در عراق و نیز اقدامات صهیونیست‌ها برای مهاجرت و اشغال کشور فلسطین و تشکیل دولت اسرائیل) دست زد و با حضور در مجامع و سرزمین‌های اسلامی، همگام با افشاگری علیه دشمنان اسلام تا آخرین روزهای عمر، تلاش مضاعفی برای اتحاد کلمه میان مسلمانان و تقریب بین مذاهب اسلامی انجام داد. موضوعاتی از جمله: بازگشت به هویت اسلامی و عظمت صدر اسلام، راهبرد وحدت مسلمانان و ولایت فقیه از جمله مهم‌ترین افکار این عالم مجاهد است.

واژگان کلیدی: دین، سیاست، اندیشه سیاسی اسلام، محمدحسین کاشف الغطاء، وحدت، تقریب.

مقدمه

در طول تاریخ اسلام، هرکدام از علمای شیعه، به سهم خود نقشی مهم و تعیین کننده در گسترش تشیع داشته‌اند و آنچه امروز در نزد ماست، ثمره چهارده قرن زحمات بی دریغ علمی و عملی و صدها سال تلاش و ایثار جان و مال و... برای روشن نگه داشتن مشعل هدایت توسط عالمان بزرگ شیعه بوده است. در این میان، نقش عده‌ای از علما قدری برجسته‌تر به نظر می‌رسد؛ آنان که با درک صحیح از شرایط سیاسی و اجتماعی زمان خود، در گسترش مکتب علوی کوشیدند و با تمام توان، در این مسیر گام نهادند. یکی از این شخصیت‌های برجسته شیعه در سده گذشته، علامه شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء است که اندیشه‌ها و فعالیت‌های متعدد و متنوع سیاسی، اجتماعی، علمی و فرهنگی او در تاریخ معاصر عراق و جهان اسلام، سهم انکارناپذیری در ایجاد موضوع وحدت کلمه، استکبارستیزی و رشد آگاهی مسلمانان نسبت به توطئه‌های دشمنان و عوامل نفوذ دشمن و راه‌های مقابله با آنان داشته است.

با وجود آثار متعددی که درباره این شخصیت فرهیخته اسلامی در دسترس است، اغلب آن‌ها تنها بخشی از ابعاد شخصیتی و فکری ایشان را بیان کرده و گاه راه اطناب و ایجاز پیموده‌اند. برخی از این آثار عبارت‌اند از: **آوای بیداری**، ویژه‌نامه چهلمین سال رحلت علامه؛ **شخصیت و اندیشه‌های کاشف‌الغطاء** از احمد بهشتی؛ شرح حال علامه در آثاری همچون: **دائرةالمعارف بزرگ اسلامی و دائرةالمعارف تشیع**؛ **الشیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء و دوره الوطنی و القومی** به قلم حیدر نزار عطیه السیدسلیمان؛ **کاشف‌الغطاء و تقویب بین مذاهب نگاشته مجتبی داودی**؛ **کاشف‌الغطاء، اذان بیداری** نوشته محمدرضا سماک امانی؛ **عقود حیاتی، زندگینامه خودنوشت و خاطرات علامه کاشف‌الغطاء**؛ **اندیشه سیاسی علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء**، از سیدجواد میرخلیلی و... .

این نوشتار بر آن است تا با استفاده از نگاشته‌های علامه کاشف‌الغطاء و آثاری که درباره او پدید آمده، ضمن تجمیع فعالیت‌ها و اندیشه‌های شاخص وی، شناخت‌نامه‌ای به نسبت جامع از ایشان ارائه دهد. بر این اساس به دنبال پاسخ به این پرسش هستیم که مهم‌ترین افکار، اقدامات، موضع‌گیری‌ها و راهبردهای علامه کاشف‌الغطاء در طول حیات سیاسی - اجتماعی ایشان چیست؟

۱. زندگی و زمانه

علامه شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء در سال ۱۲۹۴ق. در نجف و در خاندانی عالم‌پرور متولد شد. شیخ جعفر (م ۱۲۲۸ق)، جد بزرگ او از عالمان برجسته و مراجع تقلید زمان بود و از نسل ایشان، دانشمندان و مجتهدان فراوانی پدید آمدند. محمدحسین در ده سالگی وارد حوزه علمیه نجف شد و با پشت‌سرنه‌ادن دروس سطح، در هفده سالگی به دروس خارج فقه و اصول پرداخت. وی با بهره‌گیری از استادان نامدار حوزه، علوم گوناگون را آموخت و در جوانی به اجتهاد دست یافت. وی کتاب **العروة الوثقی** را به دستور استادش، سیدمحمد کاظم یزدی و به کمک برادرش شیخ احمد، تنظیم و تدوین کرد و نخستین شرح را بر این کتاب در چهار مجلد نگاشت. محمدحسین پس از رحلت استاد با اصرار عده‌ای از مؤمنان، رساله عملیه خود را چاپ کرد و مورد رجوع برخی شیعیان قرار گرفت.

از ایشان هشتاد اثر در فقه، اصول، حکمت، کلام، سیاست، تفسیر، ادبیات، سفرنامه‌نویسی و... بر جای مانده که بیشتر آن‌ها، مبتنی بر نیازهای فکری زمان و برای آگاهی و بیداری مردم است و برخی از آن‌ها دارای اهمیت تاریخی ویژه هستند. بعضی از آثار او به‌لحاظ «حساسیت و اهمیت موضوع» و «میزان تأثیر آن در صحنه‌های اجتماعی و سیاسی» مورد توجه مسلمانان و نیز سایر اندیشمندان قرار گرفته است. تعدادی از آثار ایشان عبارت‌اند از:

- **أصل الشیعه و أصولها**: درباره پیدایش و گسترش تشیع، عقاید، اصول اعتقادی، احکام و مقررات اسلامی از نظر شیعه؛

- **الآیات البینات فی قمع البدع والضلالات**: در موضوع مشروعیت مراسم‌ها و اعمال شیعیان در ایام عزاداری اباعبدالله^(ع)؛

رد پندارهای وهابیت: درباره ازین‌بردن قبور به دست وهابیون؛

رد نظر مادی‌گرایان: در دو محور مبدأ و معاد؛

رد پندارهای بایبه و خرافات مذهب آنان.

تحریر المجله: آمیخته‌ای از فقه و مقررات قانونی؛ التوضیح فی بیان ما هو الإنجیل و من

هو المسیح: بررسی بخش‌های مختلف انجیل و مقایسه عهد جدید و قدیم و مشخص ساختن تناقضات آن‌ها؛ الدین والاسلام: درباره مبدأ جهان و توحید و اسما و صفات واجب تعالی و نبوت و معجزه پیامبران به‌ویژه قرآن کریم؛ عقود حیاتی: زندگی خودنوشت علامه و الفردوس الأعلى: درباره نهضت امام حسین^(ع) و برخی از مباحث فلسفی، تفسیر برخی از آیات قرآن و مباحثی از

عبادات و معاملات و

علامه کاشف الغطاء پس از عمری مجاهدت در راستای نشر اسلام، در روز ۱۸ ذی القعدة ۱۳۷۳ ق. در ۷۹ سالگی در کرمانشاه درگذشت و پس از انتقال پیکر به نجف، در وادی السلام به خاک سپرده شد (آقابزرگ تهرانی، ۱۴۳۰، ج ۱۴: ۶۱۲ و ۶۱۷؛ امین عاملی، ۱۴۰۳، ج ۴: ۹۹؛ مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۷؛ حیدر نزار ۲۰۰۷: ۳۳-۴۹ و ۷۴؛ کاشف الغطاء، ۱۴۲۴: ۱۲-۱۴؛ ۱۴۱۸: ۱۲-۱۴؛ ۱۴۴۰: ۱۳-۱۷؛ ۱۳۹۲: ۲۲-۷۳؛ ۱۳۹۷، مقدمه؛ ۱۴۱۹، مقدمه الف-ز؛ ۱۳۸۰: ۱۳-۲۵؛ جمعی از پژوهشگران ۱۳۸۵، ذیل عنوان کاشف الغطاء؛ جعفریان، ۱۳۹۱/۳/۲۵؛ صدر حاج سیدجوادی، ۱۳۸۶، ج ۱: ۲۰۷؛ عقیقی بخشایشی، ۱۳۷۲: ۲۹۹-۳۰۷؛ سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۴: ۶۸۳؛ خوانساری، بی تا، ج ۲: ۲۰۰؛ آل محبوب، ۱۴۰۶، ج ۱: ۱۶۳؛ بابانی بغدادی، ۱۴۱۰، ج ۴: ۲۵۶؛ جمعی از نویسندگان، ۱۳۶۷، ج ۱: ۱۰۵).

۲. فعالیت‌ها و تلاش‌های علمی

الف. روش تطبیقی در فقه: کاشف الغطاء ضمن ارج گذاری به تلاش فقهای دیگر مذاهب، روشی را پایه گذاری کرد که در آن، مسلمانان از راه تطبیق و رجوع به منابع دست اول فرقه‌های گوناگون، یکدیگر را بشناسند و با کنار زدن احساسات و تعصبات خود در مسائل علمی، رویکردی واقع‌گرا و بی‌طرفانه اتخاذ کنند. وی در دوره‌ای برای اولین بار، روش فقه مقایسه‌ای یا تطبیقی را در فقه‌پژوهی حوزه علمیه نجف آغاز کرد که تعصب و جهل نسبت به یکدیگر، در میان فرقه‌های مسلمان موج می‌زد. به‌طور کلی، مکتب کاشف الغطاء مکتبی بود که عقاید دینی را بر اساس تقریب میان مذاهب گوناگون، با سیاستی ویژه و با هدف اعتلای کلمه اسلام تصحیح می‌کرد؛ چنان‌که محتوای مرجعیت او از مرزهای مرجعیت سلف گذشته بود و شامل امور اعتقادی و سیاسی مسلمانان می‌گردید (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۵۰-۵۱).

ب. نواندیشی فقهی: کاشف الغطاء مجتهدی نواندیش بود و در ابراز رأی فقهی‌ای که آن را مبتنی بر حجت شرعی و تأیید عقلی می‌دید، شجاعت داشت. برخی نوگرایی و نواندیشی او را وامدار نگره اجتماعی، سفرها، ارتباطاتش با جهان معاصر و آشنایی‌اش با معضلات، مشکلات و الزامات زندگی اجتماعی جهان معاصر دانسته‌اند. بعضی از این نواندیشی‌ها عبارت‌اند از: حلال دانستن موسیقی با شرایط خاص، نظریه تغییر برخی احکام بر اساس شرایط زمانی، توجه به حقوق زنان: صحت ازدواج دائم با زنان اهل کتاب، حق طلاق برای زن بر اساس اصل عدم

حرج و حضور اجتماعی زنان. (ورعی، ۱۳۹۷: ۱۴۲-۱۵۰؛ آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۳۷-۴۰ و ۵۰).
ج. عزاداری: کاشف‌الغطاء، تشکیک برخی از افراد در جواز مراسم حسینی و برگزاری دسته‌های عزاداری را از دسیسه‌های اموی‌ها و وهابیون و برای منزوی کردن شیعه می‌داند. وی ضمن استدلال بر سیرهٔ علما در گذشته، در مقابل دیدگاهی که زدن طبل و امثال آن را حرام می‌داند، اعلام می‌کند که حرمت آن‌ها معلوم نیست. موضع اولیه فقهی کاشف‌الغطاء دربارهٔ برخی سنت‌های عوامانهٔ دهه محرم، مانند قمه‌زنی، جواز این عادت‌ها و سنت‌ها بود. این مواضع او در قبال حوادثی چون تخریب قبور امامان در بقیع توسط وهابیان و انتشار کتاب‌های ضد شیعی بود؛ اما پس از فرونشستن غبارها و شفاف‌شدن فضا و کاهش بحران، کاشف‌الغطاء از آن مواضع عدول کرد و کارهایی مانند زنجیرزنی و قمه‌زنی را بر اساس اقتضای قواعد فقهی و روش معمول در استنباط احکام شرعی، حرام دانست. وی در دفاع از تشیع و شعائر آن بسیار جدی است و معتقد بود اگر شعائر نهضت سیدالشهدا^(ع) مثل منابر، گریه و... نبود، امروز نشانه‌های شیعه از بین رفته بود. او حتی از شیوه برگزاری مجالس جشن و سرور در ولادت معصومین^(ع) نیز گلایه داشته و مردم را به سرور واقعی - یعنی آشنایی و عمل به تعالیم قرآن و سنت پیامبر^(ص) دعوت می‌کند. به همین جهت بود که کاشف‌الغطاء از سوی متدینین قشری، مورد حمله و یا بی‌اعتنایی قرار گرفت (کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۲: ۱۹-۲۲؛ ۱۳۹۲: ۲۷۶-۲۷۸؛ سماک امانی، ۱۳۸۳: ۴۴-۴۵؛ بهشتی، ۱۳۷۰: ۲۷۹-۲۹۰؛ آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۸۰).

د. فلسفه و عرفان: کاشف‌الغطاء نگاهی مثبت به فلسفه داشت و یکی از علایق همیشگی اش، حکمت نظری و فلسفهٔ معنوی بوده است. او ضمن ارج نهادن به میراث فکری حکمای فارس و یونان، موضوع دفع شبهات و تثبیت باورهای مذهبی را به داشتن پشتوانه فلسفی مشروط می‌داند (ورعی، ۱۳۹۷: ۸۲-۸۵).

ه. علم کلام جدید: می‌توان کاشف‌الغطاء را از احیاگران علم کلام اسلامی یا علم عقاید دانست. وی تلاش کرد تا هم گام با تحولات و اکتشافات علمی جدید که گاه باعث شده بود مسلمانان سست و ساده‌اندیش را دچار تزلزل سازد، به تجدید مباحث علم کلام بپردازد. او با نگارش کتاب **الدین و الاسلام** ضمن سخن از حقیقت دین و ضرورت وجود آن برای بشر و معرفی حقیقت اسلام به عنوان دین حقانی، برخی مباحث جدید را در پاسخ به باورهای طرفداران الحاد، ماده‌گرایی و تشکیک‌کنندگان به نبوت پیامبر اسلام و عقاید اسلامی مطرح کرد (ورعی، ۱۳۹۷: ۷۳-۷۵).

و. ایجاد تحول در حوزه علمیه نجف: کاشف‌الغطاء بنا به ضرورت‌های زمان، درصدد ایجاد تحول در حوزه علمیه نجف بود. راهی که وی برای این مسئله در پیش گرفت، دو شاخه اصلی داشت: اولی بازسازی و تحول در روش‌های آموزش در حوزه علمیه بود. بر این اساس، وی در آموزش علوم دینی حوزه که بیشتر بر دو شاخه اصلی فقه و اصول قرار داشت، روشی جدید برگزید و نقش مناسب‌تری برای دیگر علوم از جمله: فلسفه، کلام، شعر، ادبیات و خطابه در نظر گرفت. تحول دیگر در حوزه فقه بود. بر این اساس، ایشان برای اولین بار در حوزه نجف کتابی در مقایسه فقه حنفی با شیعه تألیف کرد (ورعی، ۱۳۹۷: ۲۴۵-۲۴۸؛ داودی، ۱۳۹۶: ۷۴-۷۵).

۳. اندیشه‌های سیاسی

در شرایطی که ورود به سیاست، نقطه ضعف یک عالم دینی تلقی شده و بر حیثیت و موقعیت اجتماعی او در میان متدینین لطمه وارد می‌کرد، کاشف‌الغطاء از سال‌های جوانی، توجه به موضوعات مرتبط با سیاست و اجتماع را در شمار وظایف لازم خود می‌دانست و به دیگران نیز سفارش می‌کرد «(از نظر پیامبر^(ص))، اولین و کمترین نشانه مؤمن، اهتمام و توجه به امور مسلمانان است» (؟ کلینی، ۱۴۰۷ ج ۲: ۱۶۳). هنگامی که از او پرسش می‌شد چرا در سیاست دخالت می‌کند؟ او در پاسخ می‌گفت: اگر معنای سیاست، خیرخواهی و خدمت و راهنمایی و جلوگیری از فساد و خیانت و نصیحت زمامداران و توده مردم و برحذر داشتن آنان از گرفتارشدن در زنجیر استعمار و بندگی و جلوگیری از افکندن دام‌ها بر گردن ملت‌ها و کشورها است؛ اگر معنای سیاست این است، من از فرق سر تا نوک پا، غرق در سیاستم؛ چه آنکه دخالت در سیاست را بر خود واجب می‌دانم و اگر دخالت نکنم، خود را در پیشگاه خدا و وجدان خود مسئول می‌دانم. سیاست ما، سیاست پیغمبر و ائمه است؛ سیاستی که از هرگونه هوی و هوس و طمع و آلودگی پاک است (کاشف‌الغطاء، بی تا الف: ۶۲؛ ۱۳۴۵: ۱۵۲-۱۵۵؛ ۱۹۵۴: ۸۶-۸۷؛ آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۶۲؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۱۶۳-۱۶۵؛ بهشتی، ۱۳۷۰: ۶۱-۶۲).

او با درکی عمیق از مسائل روز در سطح جهان، وارد عرصه سیاست شد و با سخنرانی‌های پرشور خود، مسلمانان را با توطئه‌های دشمنان اسلام و غفلت‌هایی که دچار آن هستند، آشنا ساخت و آن‌ها را به وحدت و هم‌بستگی برای مقابله با این توطئه‌ها دعوت کرد.

کاشف‌الغطاء به‌خاطر مصالح مسلمانان، با حکومت‌ها ارتباط برقرار می‌کرد و با نگاهی پدران، به حل مشکلات مردم همت می‌گماشت. وی از معدود شخصیت‌هایی بود که با دیدی

وسیع به قضایای جهان اسلام توجه می‌کرد و هر زمان نیاز می‌دید، مبادرت به صدور اعلامیه یا سخنرانی می‌نمود. او اهتمام فرهنگی زیادی برای معرفی اسلام به مردم در شکلی درخشان و معرفی تشیع به صورت حقیقی آن و مواجهه با تهدیدات مادی یا مسیحی و یا مسائلی سیاسی داشت. وی به ارتباطات برون‌مذهبی عنایت داشت و در این زمینه، مکاتباتی فکری فراوانی انجام داد.

مشاهده زبونی و جمود و بطالت و ضعف همت امت اسلامی، برای کاشف‌الغطاء قابل تحمل نبود و قلم و بیان او مملو از گله و شکایت از مردمی است که برای دین و ارزش‌های آن اهمیتی قائل نیستند. از نظر کاشف‌الغطاء، جامعه اسلامی آن روز دچار مشکلاتی بود. از جمله: رخوت، سستی، ضعف نفس، خودفراموشی، از خود بیگانگی و پشت کردن به اسلام و رو آوردن به غرب و مادیات، حکام بی‌لیاقت عیاش و مزدور استعمارگران، استعمار امریکا و انگلیس به‌عنوان استثمارگران ملت‌های مسلمان، وجود رژیم اسرائیل به‌عنوان کانون خطر در قلب عالم اسلام و مورد حمایت استعمار، نداشتن درک صحیح مردم از تعالیم دین و غربت تشیع و عدم شناخت صحیح مکتب تشیع از سوی مسلمانان. وی راه چاره را چنین ارائه داده است: شناخت دقیق و بی‌پیرایه دین و مکتب؛ ورود مردم به‌ویژه جوانان به میدان سیاست و اهتمام به امور اجتماعی و سیاسی و نظارت بر اعمال حکام و سردمداران حکومتی؛ وحدت میان ملل اسلامی از هر فرقه و مذهب و جمع‌آوری کلیه نیروها و امکانات مالی و نظامی در مسیر مبارزه با استعمار و نابودی کامل اسرائیل (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۸۲-۸۳ و ۸۶).

عمده افکار و پیشنهادهای کاشف‌الغطاء در راه اصلاحات دینی و اجتماعی، از این قرار است:

الف. دعوت بازگشت به هویت اسلامی و عظمت صدر اسلام: بازگشت به عظمت صدر اسلام و دوری از پیرایه‌هایی که به دین و مراسم دینی بسته شده است، یکی از راهکارهای شیخ برای خروج جامعه اسلامی از خودباختگی در برابر بیگانگان و قدرت‌گیری اسلام در زمانه حاضر بود. در آثار و بیانات او، گذشته‌های پرافتخار مسلمانان و مجد و تمدن کهن آنان یادآوری شده و راز ترقیات شگفت‌انگیز آنان آشکار گشته و عوامل و علل انحطاط، تبیین شده است. (ورعی، ۱۳۹۷: ۱۸۵-۱۸۶؛ بهشتی، ۱۳۷۰: ۱۳-۱۴).

ب. اتحاد مسلمانان و پرهیز از تفرقه، تشتت و اختلاف: از نظر کاشف‌الغطاء، بیماری اصلی امت اسلامی، تفرقه است و تنها داروی اصلاح آن، اتفاق، وحدت، همدردی و ترک نزاع و

دورافکندن انگیزه‌های کینه و حسد است. ملاک اتحاد و حقیقت توحید نیت و اخلاص عمیق و جدیت و فعالیت است. او اتحاد اسلامی را چنان دارای اهمیت می‌داند که وقوع جنگ‌های چند صد ساله صلیبی، یورش لشکریان مغول به سرزمین اسلامی و نفوذ استعمارگران جدید در جهان اسلام را ناشی از فقدان این اتحاد می‌داند. وی که ایجاد تفرقه را مهم‌ترین هدف استعمار در میان مسلمین می‌دانست، همواره به مسلمین و به‌ویژه اعراب هشدار می‌داد که امروز مسلمانان بیش از همه، به اتفاق، اتحاد، همدلی و انسجام صفوف خود نیازمندند و می‌باید همه دشمنی‌ها و بغض‌ها را کنار بگذارند. او در نوشته‌ها و گفته‌هایش از مسلمانان می‌خواهد که برای اعتلای دوباره اسلام با یکدیگر متحد و متفق شوند و دو شرط برای تحقق وحدت بین آنان، بیان می‌کند: بسته‌شدن باب مجادلات مذهبی و محبت‌ورزی میان تمام مسلمانان. شناخت دقیق استعمار و ترفندهای آن ایجاب می‌کرد وی ضمن بیان شیوه‌های عمل دشمن که پایه و اساس آن بر ایجاد تفرقه بین مسلمین است، حفظ وحدت امت اسلامی را به‌عنوان توصیه همیشگی به مسلمانان جهان تکرار کند.

مسافرت کاشف‌الغطاء به سرزمین‌های اسلامی و سخنرانی‌های متعدد و مذاکرات مفصلی که در مسائل مهم اسلامی با علمای مسلمان از مذاهب مختلف داشت، گوشه‌دیگری از تلاش ایشان برای فراهم‌ساختن زمینه‌های الفت و مودت بین مسلمانان و تحقق وحدت امت اسلامی بود. این اقدامات دقیقاً در زمانی صورت می‌گرفتند که از یک سو، استعمارگران با صرف هزینه‌های هنگفت و به‌کارگیری مزدوران متعدد و ترفندهای رنگارنگ، به ایجاد تفرقه بین مسلمانان و پاشیدن بذر نفاق و عداوت در دل‌های آنان مشغول بودند و از سوی دیگر، جهل و بی‌خبری که زمینه‌ساز اصلی تفرقه است، مردم را در خود فرو برده بود؛ به‌طوری که حتی برخی از علمای دین هم از آن مصون نبودند.

از نظر کاشف‌الغطاء، اسلام بر دو پایه استوار است: کلمه توحید و توحید کلمه. از نظر ایشان، هدف تقریب این است که مسلمانان را به یکدیگر نزدیک سازد و نگذارد اختلافات فقهی، موجب عداوت میان آنان گردد. کاشف‌الغطاء بر این باور بود که برای تحقق وحدت باید احترام متقابل وجود داشته باشد و در سایه تفاهم، واقعیت هر مذهب و دیدگاه‌های آن مطرح شود (کاشف‌الغطاء، ۱۳۹۲: ۲۵۴-۲۵۵؛ آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۷۰ و ۸۱-۸۲ و ۸۸؛ ورعی، ۱۳۹۷، ۱۹۷-۱۹۸ و ۲۰۲-۲۰۳؛ میرخلیلی، ۱۳۹۶: ۱۶۸-۱۷۲؛ بهشتی، ۱۳۷۰: ۱۴؛ سعیدی، ۱۳۵۵: ۸۰-۸۱).

تلاش چشم‌گیر کاشف‌الغطاء برای تحقق وحدت اسلامی تا روزهای پایانی عمر او همچنان ادامه داشت؛ به طوری که حتی در بستر آخرین بیماری، هنگامی که از وقوع اختلافاتی بین مردم بحرین مطلع شد، از روی تخت بیمارستان نامه‌ای نگاشت و در آن، همه آن‌ها را به وحدت دعوت کرد. همین بینش، روش و دلسوزی عملی بود که توانست از وجود ایشان، شخصیتی مورد قبول عموم مسلمانان بسازد و نفس گرم او همواره خاموش‌کننده شعله‌های کینه و نفاق باشد و بسیاری از منازعات قومی و قبیله‌ای را که عراق در دوران ایشان به شدت گرفتار آن بود، به آرامش تبدیل نماید. تأثیرگذاری کاشف‌الغطاء در فرونشاندن آشوب و اعتصاب و اعتراض‌های مذهبی تا آنجا بود که پادشاه وقت عراق در نامه‌ای از ایشان قدردانی کرد. (کاشف‌الغطاء، ۱۳۹۴: ۱۵۶-۱۵۷ و ۱۶۱-۱۶۲؛ ۱۳۹۲: ۵۳-۵۴؛ ۱۴۲۴: ۲۲-۲۳؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۲۱۳-۲۱۴ و ۲۳۰؛ طهوری، ۱۳۸۲: ۷۷).

ج. وحدت شیعه و سنی: وی برگزاری همایش‌های سالانه یا دوسالانه عالمان مسلمان، با هدف شناسایی دو جانبه و گفتگو درباره مسائل اسلام را به‌عنوان راهی برای تقویت اتحاد میان شیعه و سنی پیشنهاد کرد. وی گام مهم‌تر را اجلاس حاکمان کشورهای اسلامی می‌دانست تا همگی با یک هدف واحد، در مقابل عوامل تهدید جهان اسلام مقابله کنند (بهشتی، ۱۳۷۰: ۱۴).

کاشف‌الغطاء از شخصیت‌هایی است که درد اصلی جامعه اسلامی را که همانا جدایی مسلمانان از یکدیگر است، تشخیص داد و درصدد درمان آن برآمد. این روند به جایی رسید که پیام‌های دوستانه‌ای میان شیخ محمود شلتوت، رئیس دانشگاه الازهر مصر، با دو تن از رهبران شیعه عراقی به نام شیخ محمد خالصی و شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، زمینه مشخصی را در راه تفاهم بیشتر شیعه و سنی فراهم ساخت (محمد حرزالدین، ۱۴۰۵، ج ۲: ۲۷۲). در این میان، کاشف‌الغطاء نه تنها در میان شیعیان اثناعشری از هر عقیده‌ای که باشند، احب حیثیت است، بلکه به سبب مساعی خود در راه تقریب شیعه و سنی، مورد احترام بسیاری از سنیان نیز هست (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۸۲؛ مدرس تبریزی، ۱۳۷۴، ج ۵: ۲۷).

از نظر کاشف‌الغطاء، ریشه اختلاف شیعه با اهل سنت دو چیز است. یکی مسئله امامت و خلافت است که این مسئله، امروزه موضوعش منتفی است و منافاتی با اخوت اسلامی ندارد؛ دوم، دشنام و لعن خلفا است که اکثریت شیعه، مخالف آن هستند و روایات اهل بیت^(ع) آن را نهی کرده‌اند؛ چرا که حتی اگر این عمل ذاتاً حرام نباشد، مسلماً در این زمان که دشمن از هر طرف ما را احاطه کرده، حرام است. در این میان، وظیفه علمای شیعه است که شیعه را آن‌گونه که

هست، به دیگران معرفی نمایند و کمالات، علوم و معارف و فقه و ادعیه اهل بیت را به برادران اهل سنت بشناسانند. بر این اساس، کاشف الغطاء کتابی با نام *أصل الشیعه و أصولها* تألیف کرد و تمام اصول اساسی شیعه و احکام و قوانین و مختصات مذهب شیعه را با دلایلی بسیار عالی برای دیگران معرفی کرد (داودی، ۱۳۹۶: ۱۱۴-۱۱۷ و ۱۳۲-۱۳۵؛ آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۶۲).

ایشان همچنین در *رسالة الاسلام* مقاله‌ای عالمانه و محققانه با عنوان «اجتهاد» نوشت و سبب شد که علمای اهل سنت در این موضوع به نگارش مقالات بپردازند و اثبات کنند که اجتهاد به زمان گذشته منحصر نبوده و به چهار مکتب اصلی اهل سنت اختصاص ندارد و این گونه نیست که باب اجتهاد بسته شده باشد. بازشدن مسیر اجتهاد، یکی از مهم‌ترین اهداف دارالتقرب بود و به دنبال آن، فقه مقارن نوشته شد و اجتهاد از انحصار چهار مکتب اهل سنت خارج گردید. از دیگر اقدامات کاشف الغطاء در موضوع تقرب میان مذاهب، دیدار و گفتگو با بزرگان اهل سنت بود. موضوع اغلب این دیدارها و گفتگوها که در نهایت احترام برگزار می‌شد، درباره مسائل و مشکلات جهان اسلام و اهمیت اتحاد در برابر دشمنان مشترک و نیز توجه به آثار زیان‌بار تفرقه و چنددستگی بود. در مجموع، کاشف الغطاء چند عامل را در وحدت میان مسلمانان و تقرب بین مذاهب اسلامی مؤثر می‌داند:

۱. رسمیت داشتن اختلاف نظر و تفاوت دیدگاه‌ها؛
 ۲. ارتباط علمی و گفتگو با بزرگان مذاهب اسلامی؛
 ۳. احترام به اعتقادات همدیگر و اجتناب از بیان مسائل تفرقه‌برانگیز و بدون ثمر مذهبی؛
 ۴. برپایی همایش‌های سالیانه بین‌المللی؛
 ۵. تأکید بر برادری اسلامی؛
 ۶. توجه به بازبودن باب اجتهاد و لوازم آن؛
 ۷. عبرت‌گیری از تاریخ مسلمانان در گستره تاریخ؛
 ۸. پاک‌سازی درون (داودی، ۱۳۹۶: ۱۲۷-۱۲۵ و ۱۴۹-۱۶۰؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۲۰۴-۲۱۲).
- از نظر ایشان، مهم‌ترین عوامل تفرقه عبارتند از: تعصب، اهانت به مقدسات دیگر مذاهب اسلامی، بی‌صبری و عجله در رسیدن به اهداف و آرمان‌ها، حرف‌زدن به جای عمل، قدرت‌های استعماری (که علاوه بر ایجاد تفرقه در میان مسلمانان به دنبال دلسرد کردن مردم از دین اسلام، تربیت نسل بی‌ایمان، ترویج بی‌بندوباری و در نهایت، نابودی اسلام هستند) (کاشف الغطاء، ۱۴۱۳: ۶۳-۶۸ به نقل از داودی، ۱۳۹۶: ۱۶۹-۱۸۲؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۲۱۳).

از نظر کاشف‌الغطاء، پیامدهای تفرقه عبارت‌اند از: نسبت دادن عقاید نادرست به یکدیگر، عدم دفاع از یکدیگر در برابر دشمن و اتحاد با دشمن (کاشف‌الغطاء، ۱۴۱۳: ۶۵ و ۷۷-۷۸، ۱۰۹ و ۱۲۳؛ ۱۳۷۳: ۵۰، ۵۶، ۵۸ و ۶۷ به نقل از داودی، ۱۳۹۶: ۱۸۲-۱۹۹).

د. موضع‌گیری در قبال صهیونیسم و مسئله فلسطین: یکی از حربه‌های استعمار از آغاز اشغال فلسطین به دست صهیونیست‌ها، وانمودکردن این مسئله به‌عنوان يك موضوع عربی است و نه اسلامی. از این رو باید در همین چهارچوب حل شود تا موجب برانگیخته‌شدن جهان اسلام و موضع‌گیری امت اسلامی در برابر صهیونیسم و استعمارگران غربی نشود. کاشف‌الغطاء در برابر این نقشه شیطانی با هوشیاری و درایت خاص خود موضع گرفت و در مجامع عربی، اسلامی و بین‌المللی همواره اعلام کرد که مسئله فلسطین علاوه بر اینکه يك موضوع عربی است، يك موضوع اسلامی و حتی انسانی است و تمامی انسان‌های آزاده جهان باید در مقابل آن ایستادگی کرده و مردمان ستم‌دیده فلسطین را یاری کنند. وی در ارتباط با اشغال فلسطین و ظهور صهیونیسم در منطقه، تکاپوهای وافری از خود نشان داد. از جمله: فتاوی‌ای جهادی، خطابات و مکتوبات تحلیلی و تأثیرگذار، حضور فعال در کنگره‌های مربوط به فلسطین و... وی با سخنرانی‌های پرشور، به افشای خطر صهیونیسم، حتی قبل از تشکیل دولت اسرائیل و جنایات اشغالگران و بیان وظایف مسلمانان در برابر آن‌ها می‌پرداخت. پس از آنکه علمای فلسطین، فروش سرزمین‌های این کشور به یهودیان را تحریم کردند، کاشف‌الغطاء نیز در یک استفتا این عمل را در شمار جنگ با خدا و پیامبر و همچنین پایمال کردن اسلام بیان کرد. از نظر او دفع سلطه، مبارزه با اشغالگران، حمایت مالی و جانی از مردم فلسطین برای مقابله با دشمن و تحریم فراگیر یهود و حامیان آن‌ها، بر تمامی مسلمانان واجب است. از نظر او، تمام بدبختی‌های مردم فلسطین از سران کشورهای اسلامی است. همچنین زمانی که سران کشورهای عربی با ظاهرسازی، مسلمانان را فریب داده و خود را به‌عنوان حامی فلسطین معرفی کرده بودند، کاشف‌الغطاء باطن آن‌ها را برملا کرد و به مردم معرفی نمود.

خلاصه نظرات کاشف‌الغطاء درباره قضیه فلسطین که عمق بینش سیاسی او در مسائل جهانی را نشان می‌دهد عبارتند از:

۱. فلسطین برای جهان عرب و جهان اسلام نهایت اهمیت را دارد و در وسط سرزمین‌های عرب قرار دارد و وجود اسرائیل در این نقطه، منشأ اضطراب و خطر برای همه سرزمین‌های عربی خواهد بود؛

۲. جنگ و جهاد، تنها راه نجات برای پیروزی اعراب بر اسرائیل است و التماس و ذلت و توسل به دشمنان هرگز آنان را به مقصود نمی‌رساند؛

۳. اتحاد و اتفاق دولت‌های عربی، راه برتر برای پیروزی بر اسرائیل است؛

۴. اگر حکومت‌های عرب به خاطر استعماری‌بودن قضیه کوتاهی کنند، بر گروه‌های عرب لازم و فرض است که راه‌های مختلف را برای نیل به اهداف خود در پیش گیرند و عزم خود را برای پیروزی بر اسرائیل جزم نمایند؛ مانند تظاهرات، استدلال، احتجاج، انقلاب، قیام برای جهاد، بذل اموال و ...؛

۵. ایستادگی، مقاومت، تداوم حفظ روحیه مردانگی و عدم خضوع در برابر دشمن، در نهایت منجر به پیروزی می‌شود؛

۶. راه حل اساسی: صلح با اسرائیل نیست، بلکه نابودی آن است؛

۷. ما دشمن یهود نیستیم، بلکه دشمن صهیونیسم هستیم که هم دشمن عرب است و هم دشمن یهود؛

۸. کاشف‌الغطاء مردم مسلمان و دولت‌های عربی را نصیحت می‌کرد که به جای برگزاری جشن‌ها، مخارج آن را برای تهیه سلاح، آلات، ابزار و جهاد و نیز به جای ریختن اموال مسلمین به جیب اجانب، بیت‌المال مسلمین را برای نجات فلسطین ارسال نمایند (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۶۸-۶۹ و ۸۵-۸۶؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۱۷۷، ۱۸۵ و ۱۸۸-۱۹۱؛ میرخلیلی، ۱۳۹۶: ۱۶۴-۱۶۸).

ه. حکومت اسلامی و ولایت مجتهد عادل: از نظر کاشف‌الغطاء دخالت عالمان دینی در

عرصه سیاست، محدود نیست و این مسئله يك وظیفه الهی برای رهبران دینی به شمار می‌رود که آنان با بهره‌مندی از نیابت عامه، راهبری و هدایت جامعه اسلامی را بر عهده دارند. وی ضمن اشاره به حضور اجداد خود در عرصه‌های سیاسی و با استناد به آیه «يَا دَاوُودُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ النَّاسِ بِالْحَقِّ» (ص: ۲۶)، بیان می‌دارد که این خلافت عظمای الهی است که به بزرگان دین اعطا شده است. وی همچنین با نقل فراز «أنتم ساسه العباد و أركان البلاد» در زیارت جامعه کبیره و با ذکر اینکه دخالت در امور سیاسی و اداره حکومت از سیره عملی پیامبر (ص) و امامان معصوم (ع) است، نتیجه می‌گیرد که لازم است عالمان دین در سیاست وارد شوند و اگر بعضی از آنها این کار را نکرده‌اند، ممکن است عذری داشته‌اند؛ هرچند که در هر صورت، این عدم دخالت نتیجه تقصیر یا قصوری است که از آنها سر زده است.

کاشف‌الغطاء در مورد اختیارات ولایت فقیه نظریات بسیار بلندی دارد. او دربارهٔ حدود اختیارات ولی فقیه می‌نویسد: «فقیه بر امور مردم و آنچه مورد نیاز نظام و جامعه اسلامی است، ولایت دارد. ولایت فقیه، شامل تمام مواردی است که به مصلحت اسلام و مسلمانان است». وی در بحث ادلهٔ عقلی، همچون دیگر فقهای شیعه، به ضرورت وجود حکومت برای اجرای قوانین اسلامی اشاره کرده و برای اجرای آن به ضرورت عقلی برای حضور حاکمی فقیه برای اجرای آن تأکید دارد (کاشف‌الغطاء، ۱۳۷۲: ۵۳-۵۴؛ ۱۳۹۲: ۳۲۵-۳۲۶؛ سماک امانی، ۱۳۸۳: ۷۹؛ میرخلیلی، ۱۳۹۶: ۱۱۲-۱۱۴ و ۱۲۹-۱۳۶؛ آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۴۱ و ۶۳؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۳۰).

از امتیازات تفکر فقهی کاشف‌الغطاء، توجه خاص به اختیارات حاکم اسلامی است. وی ولایت مجتهد فقیه به‌عنوان نائب امام را بر امور مردم و هرچه که مورد نیاز نظام اجتماعی جامعه باشد، می‌داند و ولایت فقیه را دایرمدار مصلحت‌ها عنوان می‌کند و نه ضرورت‌ها. ولایت فقیه، شامل تمام مسائل اجتماعی و جنبه‌های مختلف جامعه است و نمی‌توان آن را منحصر در بعضی موارد خاص از مصلحت‌ها قلمداد کرد؛ از این رو سخن کاشف‌الغطاء بر دیدگاه طرفداران ولایت مطلقه فقیه کاملاً منطبق است. کاشف‌الغطاء در مباحث فقهی، به موضوع اختیارات حاکم اسلامی و ولایت فقیه توجه دارد و مشکلاتی را که ممکن است با اجرای احکام اولیه اسلام رخ دهد، از این راه حل‌شدنی می‌داند (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۴۱ و ۶۳؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۱۲۵-۱۳۰).

و سیاست نه شرقی - نه غربی: دهه‌های میانی قرن چهاردهم ه. ق. دوران رشد افکار کمونیستی در عموم کشورهای عربی به‌ویژه عراق بود. کاشف‌الغطاء ضمن نکوهش دولت‌های استعمارگر غرب، به نفوذ کمونیسم در عراق و حتی در خانه‌های مؤمنین و علمای دین، بلکه زعمای روحانی اشاره می‌کند و می‌گوید دانشگاه‌ها و زندان‌ها میدان‌های تاخت‌وتاز افکار کمونیستی شده‌اند. در این شرایط، با وجود اینکه شمار زیادی از روحانیان و مردم دیندار، با احساس خطری که از سوی افکار مادی‌گرایانهٔ کمونیسم برای عقاید دینی داشتند، تنها کمونیسم را دشمن اصلی تلقی می‌کردند و برای مبارزه با آن، اولویت قائل بودند. آن‌ها ظواهر امر را می‌دیدند و چون کمونیسم با الحاد هم‌زاد بود، فکر می‌کردند فقط باید با کمونیسم مبارزه کنند تا ایمان و اعتقادات خود را مصون نگه دارند، غافل از اینکه رشد اندیشه‌های کمونیستی و الحادی، نتیجهٔ عواملی بود که پیش از ایجاد کمونیسم و ورود آن به ممالک عربی و اسلامی در این کشورها وجود داشت و به‌وجودآورندهٔ این عوامل نیز استعمار غرب بود. این نکته‌ای بود

که کاشف‌الغطاء به خوبی بر آن وقوف داشت و به همین دلیل، در مقاطع مختلف به آن اشاره و همواره در سیاست خود، بر مبارزه همزمان بر ضد استعمار شرق و غرب تأکید می‌کرد. در واقع، همه فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی وی بر سیاست «نه شرقی، نه غربی» مبتنی بود و هرگز به دلیل ظاهر زشت‌تر و خطرناک‌تر کمونیسم، از مبارزه علیه نظام سرمایه‌داری غرب غافل نشد (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۶۳-۶۴؛ میرخلیلی، ۱۳۹۶: ۱۶۰-۱۶۳).

ز. ایستادگی در برابر ایده جامعه عرب: از نظر کاشف‌الغطاء، شکل‌گیری جامعه عرب، یکی از خواسته‌ها و حربه‌های استعمارگران غرب برای ایجاد تشقت و تفرقه در میان ملت‌های عرب بود و هیچ ثمری جز خیانت به آن‌ها و ایجاد چنددستگی در بین اعراب و به‌خواری کشانندشان در بر نداشت. عملکرد جامعه عرب در طول دوره فعالیت خود، دقیقاً اتقان رأی و درستی نظر کاشف‌الغطاء را درباره این تشکیلات به اثبات رسانده است؛ چرا که مشاهده شده که علی‌رغم شعارهایی که جامعه عرب برای دفاع از حقوق ملت‌های عرب می‌دهد، همواره همچون اهرمی در دست آمریکا برای به‌رسمیت شناخته‌شدن اسرائیل و تضییع حقوق اعراب عمل کرده است (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۶۷؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۱۹۱-۱۹۲).

۴. فعالیت‌های اجتماعی

الف. سفر به کشورهای اسلامی: کاشف‌الغطاء به‌عنوان عالمی متعهد و فقیهی بیدار و مرجعی انقلابی و آگاه به مقضیات زمان، از آغاز جوانی به مناطق مختلف جهان اسلام سفر کرد. تجربیات به‌دست‌آمده از این سفرها، باعث افزایش اطلاع و آگاهی او از جوامع، محیط‌های گوناگون و ارتباط‌گیری با چهره‌های شاخص دینی، فکری، سیاسی، اجتماعی و زمینه‌ساز گفتگوهای انتقادی میان وی و شخصیت‌ها و ایجاد بستری برای فعالیت‌های مشترک میان آن‌ها شد. همچنین در این سفرها، غالباً مقامات سیاسی کشورهای مختلف نیز به دیدار و گفتگو با وی (به سبب نفوذ و اعتبار او در جهان تشیع) علاقه‌مند بودند. وی در این سفرها نطق‌های بسیاری کرد و مردم مسلمان را بر ضد سیاست‌های استعماری و امپریالیستی دشمنان خون‌خوار اسلام و مسلمین، تحریک نمود. مهم‌ترین سفرها و فعالیت‌های کاشف‌الغطاء که تا زمان وفاتش استمرار داشت، از این قرار است:

۱. سال ۱۳۲۹ ق/ ۱۹۱۱ م: سفر به حجاز و گفتگو با دانشمندان اهل سنت؛ سفر به دمشق و بیروت و افشاگری علیه ترفندهای استعمارگران؛ تدریس در «اللازهر» مصر به‌عنوان

بزرگ‌ترین حوزه علمی جهان اهل سنت و نیز حضور در کلیساها و ایراد سخنرانی برای اقلیت‌های دینی (کاشف‌الغطاء، ۱۳۹۴: ۸۹-۹۶؛ ۱۴۲۴: ۱۵-۱۶؛ ۱۴۳۷: ۲۰-۲۲؛ ۱۴۳۳: ۹۶-۱۰۰؛ ۱۳۸۴: ۹؛ ۱۳۸۰: ۴۸-۴۶؛ ۱۳۹۲: ۴۹-۵۰؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۴۸-۴۹ و ۱۸۷؛ حیدر نزار، ۲۰۰۷: ۵۲).

۲. سال ۱۳۵۰ ق/ ۱۹۳۱ م: شرکت در کنفرانس اسلامی در قدس (فلسطین) و سخنرانی در جمع هزاران نفر در موضوع نگرانی از عدم پایداری و استقامت مسلمانان در هدف؛ لزوم اجتناب از اختلاف و جدایی؛ استواری اسلام بر کلمه توحید و توحید کلمه و لزوم دورشدن از حرف بدون اندیشه و عمل. در این کنگره، نطق ایشان به‌عنوان بیانیه کنگره اسلامی تصویب و سپس چاپ و توزیع شد (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۴: ۱۶-۱۷؛ ۱۴۳۷: ۲۴-۲۷؛ ۱۴۳۳: ۱۳۸-۱۵۵؛ ۳۸۴: ۹؛ ۱۳۸۰: ۴۸؛ ۱۳۹۲: ۵۰-۵۱؛ ۱۳۹۴: ۱۳۰-۱۴۸؛ ورعی، ۱۳۹۷، ۴۹-۵۱؛ حیدر نزار، ۲۰۰۷: ۵۳ و ۲۲۹-۲۳۰).

۳. سال ۱۳۵۲ ق/ ۱۹۳۳ م: سفر و سخنرانی در شهرهای ایران در موضوع لزوم پابندی به اسلام و فریب نخوردن از جریان‌های ناسیونالیست و ضد دین و فراهوانی قیام بر ضد استعمار (کاشف‌الغطاء، ۱۴۳۷: ۲۸-۲۹؛ ۱۳۸۰: ۴۸-۵۰؛ ۱۳۸۴: ۱۰؛ ۱۳۹۲: ۵۱؛ حیدر نزار، ۲۰۰۷: ۵۴).

۴. سال ۱۳۷۱ ق/ ۱۹۵۲ م: شرکت در دومین گردهمایی جهان اسلام در کراچی و سخنرانی با موضوع انتقاد از دولت‌های استعمارگر و لزوم هوشیاری مسلمانان در برابر اختلاف‌افکنی‌های استعمار میان مسلمانان (کاشف‌الغطاء، ۱۴۲۴: ۱۸-۱۹؛ ۱۴۳۷: ۳۰؛ ۱۳۸۴: ۱۰؛ ۱۳۸۹: ۱۶۹-۱۸۱؛ ۱۳۸۰: ۵۰-۵۱؛ بی‌تا: ۷-۲۳، ۱۳۹۲: ۵۲-۵۳؛ حیدر نزار، ۲۰۰۷: ۵۶).

ب. واکنش به کنگره بحمدون: در اواخر سال ۱۳۳۲ ش / مارس ۱۹۵۴ م. از طرف انجمن آمریکایی دوستداران خاورمیانه، در نامه‌ای به کاشف‌الغطاء درباره ضرورت همکاری رجال و شخصیت‌های مسلمان و مسیحی برای ترویج ارزش‌های معنوی و یافتن راه‌های مقابله با الحاد و مادیگری، از ایشان دعوت می‌شود در کنگره «وحدت اسلام و مسیحیت» و «مثل العلیا» در شهر بحمدون لبنان شرکت نماید. کاشف‌الغطاء با دریافت این نامه (علی‌رغم اینکه به کنگره کاملاً رنگ مذهبی داده بودند و هیچ‌گونه نشانه‌ای از سیاسی‌بودن قضیه در آن نبود) به‌روشنی دریافت که این انجمن، یک مؤسسه صددرصد سیاسی است که دولت آمریکا قصد دارد در

پوشش کنگره، نفوذ خود در کشورهای عربی و اسلامی را برای مقابله با کمونیسم به عنوان رقیب سرسخت آمریکا گسترش دهد. کاشف‌الغطاء با ژرف‌اندیشی خاص خود، این نقشه دقیق سیاسی را با همه پیچیدگی‌هایی که داشت، به‌درستی خواند و در پاسخ این دعوت، نامه‌ای مفصل نوشت و ضمن برشمردن جنایات استعمارگران غربی در حق مسلمانان و به‌ویژه جنایات آمریکا و مطرح کردن مسئله صهیونیسم و رژیم غاصب و اشغالگر اسرائیل به برگزارکنندگان کنگره اعلام کرد که اگر واقعاً در پی شناخت و ترویج ارزش‌های معنوی هستند، باید بدانند که این ارزش‌ها در اسلام یافت می‌شود نه در بحمدون. با آغاز به کار کنگره، انتشار گسترده نامه کاشف‌الغطاء با نام **المثل العلیا فی الاسلام لافی بحمدون** (نمونه‌های عالی اخلاقی در اسلام است نه در بحمدون)، کنگره را زیر سؤال برد و موجب ناکام‌ماندن کنگره گردید. مهم‌ترین محورهای نامه از این قرار است:

۱. لزوم پایبندی به ارزش‌های معنوی؛
 ۲. مؤثر بودن زبان عمل و نه گفتار؛
 ۳. محکومیت جنایات اسرائیل در فلسطین با حمایت دولت انگلستان؛
 ۴. محکومیت توطئه‌ها و جنایت‌های انگلستان در جهان به‌ویژه کشورهای عربی و اسلامی؛
 ۵. اظهار بیزارى از آلت دست قرارگرفتن دولت‌های عربی و اسلامی در مواجهه با موضوع فلسطین؛
 ۶. لزوم آگاهی دولت‌های عربی در برابر قدرت‌های استعماری؛
 ۷. قرآن و اسلام راه‌هایی از مشکلات جامعه اسلامی؛
 ۸. تناقض گفتار و کردار قدرت‌های استعماری در برخورد با کشورهای اسلامی و رژیم صهیونیستی؛
 ۹. شکست قدرت‌های جهانی در صورت اتحاد کشورهای عربی؛
 ۱۰. منافع قدرت‌ها، عامل اصلی اقدامات آن‌ها و نه دوستی با کشورهای اسلامی؛
 ۱۱. لزوم آگاهی همگان از توطئه‌های آمریکا؛ انگلیس و جنایت‌های اسرائیل (کاشف‌الغطاء، بی‌تالیف، ۷-۶۱؛ ۱۴۲۴: ۲۷-۲۸؛ ۱۳۴۵: ۱۷-۱۸ و ۳۸-۱۴۷؛ ۱۹۵۴: ۸-۸۵؛ طهوری، ۱۳۸۲: ۸۳-۸۵، آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۵۹-۶۰؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۱۷۱-۱۷۴ و ۳۰۳-۳۰۴؛ میرخلیلی، ۱۳۹۶: ۱۱۵-۱۱۷؛ بهشتی، ۱۳۷۰: ۱۹-۶۳).
- ج. مبارزه با استعمار: از نظر کاشف‌الغطاء، راه‌های مبارزه با ظلم از نظر اسلام دارای سه

مرحله است که به صورت گام به گام بوده و چنانچه در هر مرحله، مفید واقع نشود، وارد مرحله بعد می‌گردد. ابتدا دعوت و ارشاد به وسیله سخنرانی و کتاب و مقاله، سپس مبارزه منفی از قبیل تظاهرات و قطع رابطه و محاصره اقتصادی و همکاری نکردن با ستمکاران در همه زمینه‌ها و در نهایت، جنگ و انقلاب (بهشتی، ۱۳۷۰: ۴۳).

حیات سیاسی کاشف‌الغطاء با تبدیل استعمار قدیم به استعمار جدید هم‌زمان بود. استعمارگران انگلیسی و فرانسوی، در عراق و سایر کشورهای عربی که ادامه سلطه مستقیم بر ملت‌ها و قتل، غارت و ارعاب آن‌ها را مؤثر ندیدند، تلاش کردند از این پس، به جای حضور مستقیم خود در عرصه سیاسی کشورها، با واگذاری استقلال ظاهری به این کشورها، عوامل و مهره‌های محلی آن‌ها با عناوینی همچون پادشاه، رئیس‌جمهور، وزیر و نماینده مجلس به ایفای نقش پردازند. کاشف‌الغطاء ضمن شناسایی پدیده امپریالیسم و چهره‌های گوناگون استعمار، تلاش داشت در سخنرانی‌ها، محاوره‌ها، نامه‌ها و کتاب‌های خود این ترفندها را افشا کند و چهره واقعی استعمار جدید را به مردم بشناساند (میرخلیلی، ۱۳۹۶: ۱۵۶-۱۶۰؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۱۶۹-۱۷۰).

کاشف‌الغطاء در ملاقات با برتون بری، سفیر آمریکا در عراق در سال ۱۳۷۲ ق. در نجف، با شجاعت و صراحت تمام از جنایات آمریکا در مورد پشتیبانی از صهیونیسم در سرزمین فلسطین و کارهای وحشیانه‌ای که این پشتیبانی به دنبال داشت، پرده برداری نمود. وی در این دیدار، با قاطعیت اعلام داشت: قلب‌های ما آکنده از نفرت و دشمنی با شما آمریکاییان است، چه آنکه ناجوانمردانه با اظهار دوستی، سهمگین‌ترین صدمات را بر پیکر مسلمانان وارد ساختید (کاشف‌الغطاء، ۱۹۵۴: ۱۶-۲۰؛ ۱۴۲۴: ۲۶؛ آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۶۰ و ۸۹؛ حیدر نزار، ۲۰۰۷: ۲۱۷-۲۲۲).

وی همچنین خطاب به سفیر انگلیس و در پاسخ او که پرسید آیا در کتابخانه شما که بسیار جالب است، کتابی علیه ما نیز وجود دارد؟ گفت: کتاب که چیزی نیست، قلوب همه ما بر ضد شماست. از دل تمامی مردم ما، بر اثر ضربه‌ای که شما به جهان عرب زده‌اید، خون می‌چکد (سماک امانی، ۱۳۸۳: ۱۰۴-۱۱۲؛ طهوری، ۱۳۸۲: ۷۳؛ آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۶۰-۶۱ و ۹۰). کاشف‌الغطاء در این ملاقات از کارهای زشت و نادرست انگلستان که در شرق و غرب زمین رخ داده بود، به‌ویژه تباهی فلسطین و دست‌داشتن انگلستان در این مسئله و همکاری آنان با صهیونیست‌ها و آواره‌ساختن مسلمانان از سرزمین‌هایشان، به صراحت انتقاد کرد. نوک حمله او متوجه انگلیس - به‌عنوان شیطان شیاطین - و آمریکا بود و اسرائیل را هم نطفه ناپاک آن‌ها

می‌دانست. شناخت دقیق خطر آمریکا و اسرائیل در آغازین روزهای ظهور این نمادهای فساد در عرصه‌های سیاسی جهان از یک سو و استحکام نظر و صلابت عقیده کاشف‌الغطاء از سوی دیگر، به همراه پایگاه اجتماعی عمیق او در میان ملت‌های مسلمان منطقه، حاکی از شخصیت سیاسی کم‌نظیر این عالم بصیر در عصر و زمانی است که موج بی‌خبری و رخوت سیاسی، جهان عرب و جامعه اسلامی را در بر گرفته بود (کاشف‌الغطاء، ۱۹۵۴: ۸-۱۶ و ۲۱-۲۵؛ ۱۳۸۴: ۱۱-۱۲؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۱۷۴-۱۷۷).

د. دعوت به رشد اقتصادی و فراگیری صنعت و علوم جدید: کاشف‌الغطاء یکی از راه‌های نجات از ارتجاع کهن و استعمار جدید را توسعه اقتصادی و فراگیری علوم و فنون نوین می‌دانست. او در عین اینکه از مسلمانان، ایمان خالص و ناب صدر اسلام را درخواست می‌کرد و همواره مبارزه با استعمار در سرلوحه برنامه‌هایش بود، از این حقیقت غفلت نمی‌کرد که بدون فراگیری علم و صنعت روز، هرگز نمی‌توان در دنیای امروز روی پای خود ایستاد و خود را از اسارت و بردگی رها ساخت. توسعه اقتصادی، راه رسیدن به قدرت و استقلال است و این مسئله نیز بدون آموزش علوم و فنون جدید امکان‌پذیر نیست. از نظر او، استیلای غرب از طریق صنعت و مکیدن چشمه‌های ثروت شرق رخ داده است. دین اسلام نیز بر ضرورت رشد اقتصادی تأکید کرده است. او بر این اعتقاد بود که سعادت به وسیله اتحاد و اقتصاد به دست خواهد آمد. (بهشتی، ۱۳۷۰: ۱۵-۱۶).

ه. حمایت از محرومین: کاشف‌الغطاء خطاب به سفیر انگلیس در عراق به وجود زمین‌خواران بزرگ در عراق (که از نتایج حضور انگلیس در آن کشور و از نتایج مستقیم استعمار غرب بود) اشاره می‌کند و می‌گوید: سرطان زمین‌خواری که در این کشور ریشه دوانیده است از مهم‌ترین عوامل گرسنگی، فقر و بیچارگی مردم است که طلای سرخ را به کیسه‌های زمین‌خواران بزرگ که تعدادشان در عراق حداکثر به بیست نفر نمی‌رسد، سرازیر می‌کند؛ درحالی که میلیون‌ها کشاورز و روستایی در شدت گرسنگی به سر می‌برند و به‌ناچار تن به تکدی می‌دهند (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۶۵).

نمونه‌ای دیگر از سیاست مردمی کاشف‌الغطاء و حمایت او از محرومین، پاسخی است که به سفیر انگلیس در عراق می‌دهد. سفیر انگلیس ضمن برشمردن عملکرد دولت متبوعش می‌گوید: در جهت عمران و آبادی کاملاً محسوس است که عراق به پیشرفت‌هایی دست یافته؛ از جمله آنکه در گذشته سیل بیشتر ساختمان‌ها و مزارع را فرا می‌گرفت، حتی قصر شاه را نیز

احاطه می‌کرد، ولی با کارهای عمرانی که ما کرده‌ایم، این سال‌ها دیگر هیچ خطری قصر شاه را تهدید نمی‌کند. کاشف‌الغطاء در پاسخ می‌گوید: برای ما کاخ شاه اهمیت ندارد؛ بلکه کوخ آن کشاورز بیچاره‌ای مهم است که شاه و سایر اشراف از حاصل تلاش او در ناز و نعمت به سر می‌برند و بر بستر نرم می‌خوابند، ولی او نان جو می‌خورد و هر سال مثل گذشته، سیل مزرعه او را می‌برد و بر ناداری او افزوده می‌شود و این همه از نتایج حضور استعمار انگلیس در عراق است (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۶۵). (بشود همان)

و. مقابله با بهائیت: کاشف‌الغطاء فرقه ضالّه بهائیت را نیز از جمله دست‌پرورده‌های استعمار جدید برای ایجاد تفرقه در میان ملت‌های مسلمان می‌داند؛ بنابراین مقابله با بهائیت، فقط به شیعه یا مردم عراق مربوط نمی‌شود، بلکه وظیفه همه مسلمین است. او با اشاره به تمکن مالی بهایی‌ها و پول‌هایی که برای ترویج عقاید فاسد خود خرج می‌کردند و با یادآوری حمایت‌های مالی و سیاسی که بهائیت از ناحیه حکومت عراق و انگلیس می‌شد، می‌نویسد: مردم عراق باید بدانند که اگر با بهایی‌ها برخورد نکنند، آن‌ها به کمک استعمار انگلیس به‌زودی بر عراق مسلط خواهند شد و همه چیز را در این کشور بر اساس منافع انگلیس تغییر خواهند داد. ایشان با آگاهی از ماهیت این فرقه استعمارساخته، از مسئله بهائیت به‌عنوان مسئله کفر در برابر اسلام یاد می‌کند و می‌گوید قوت گرفتن بهائیت، سیلی محکمی بر صورت اسلام به‌ویژه تشیع خواهد بود و این یکی از قوی‌ترین سلاح‌های استعمار است که به نام مذهب برای ایجاد تفرقه میان مسلمانان از آن استفاده می‌کند (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۶۷).

ز. اهتمام به امر به معروف و نهی از منکر: قلم و بیان کاشف‌الغطاء در دانش و سیاست به‌طور یکسان جریان داشت. همواره از اسلام دفاع می‌کرد و در برابر شبهات شبهه‌افکنان می‌ایستاد. به مسائل گوناگون اعتقادی پاسخ می‌داد و مخاطب را اقناع می‌کرد. کاشف‌الغطاء در تمام دوران زندگی خود به اصلاح امور مسلمانان علاقه شدید داشت. وی یک مرکز اسلامی متولی امر به معروف و نهی از منکر تأسیس کرد و از این راه در برابر مفساد اجتماعی ایستاد (کاشف‌الغطاء، ۱۳۸۴: ۱۸۹-۱۹۰؛ میرخلیلی، ۱۳۹۶: ۱۰۱-۱۰۴؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۱۱۴-۱۱۵).

روح جهاد و مبارزه یکی دیگر از مشخصه‌های تفکر فقهی اجتماعی کاشف‌الغطاء است. از بهترین نمودهای این مشخصه، فتوای وی درباره شرایط امر به معروف و نهی از منکر است. فقهای عظام یکی از این شرایط را احتمال تأثیر امر به معروف و نهی از منکر بیان کرده‌اند و ادعای اجماع در نظرات بسیاری از فقها درباره این شرط دیده می‌شود. بر این اساس لذا اگر فردی احتمال

تأثیر ندهد و اقدام خود را موجب از بین رفتن منکر نداند، نهی از منکر بر او لازم نیست؛ ولی کاشف‌الغطاء این شرط را نمی‌پذیرد و می‌گوید حق این است که انکار منکر در هر صورت، مطلوب شارع مقدس است و این کار چه تأثیر داشته باشد و منکر را از بین ببرد و چه بدون اثر باشد، عبادت است. پس در حقیقت، این از نتایج نهی از منکر است و نه از شرایط و جوب آن. لذا از نظر کاشف‌الغطاء، مسلمانان نباید در برابر منکرات بی تفاوت باشند و نمی‌توانند به بهانه آنکه سخن ما اثری ندارد و نتیجه‌ای به دست نمی‌آید، مهر خاموشی بر لب بزنند؛ چون هنگامی که این فریضه در میان مسلمین احیا و اقامه شود، بالاخره تأثیر خود را خواهد داشت و تک‌تک افراد نباید در فکر رسیدن به نتیجه نهی از منکر خود باشند. کاشف‌الغطاء به حق، یکی از عوامل سقوط امت اسلامی را در عصر حاضر بی‌اعتنایی به امر به معروف و نهی از منکر دانسته است (آوای بیداری، ۱۳۷۲: ۴۶-۴۷؛ ورعی، ۱۳۹۷: ۱۱۴-۱۱۵).

نتیجه‌گیری

اهمیت تحقیق درباره بزرگان دینی، به‌ویژه آنان که در مسائل مربوط به حوزه‌های سیاسی و اجتماعی زندگی مسلمین، احب فکر و اندیشه هستند، بر کسی پوشیده نیست و تحقیق در خصوص علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء نیز از این قاعده مستثنا نیست. شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء از مصلحان سده اخیر جهان اسلام و از فقیهان تأثیرگذار و برجسته در تحولات سیاسی - اجتماعی در دنیای اسلام، فعالیت‌های خود را بر گرد چهار محور قرار داد: ۱. تدریس و مرجعیت دینی؛ ۲. سفرهای تبلیغی و سیاسی؛ ۳. تحقیق و نگارش؛ ۴. مبارزه با استعمار، صهیونیسم و همه عوامل انحراف و انحطاط.

کاشف‌الغطاء با بینش دقیق سیاسی، اجتماعی و آگاهی به زمان و تعهد عملی به رسالت علم، از پیش‌تازان مبارزه علیه استعمار جدید به‌شمار می‌رود. او با برخورداری از همین دقت نظر و عمق فکری بود که در اولین سال‌های ظهور و بروز آمریکا در صحنه سیاست استعماری، خطر این ام‌الفساد قرن را به‌عنوان يك قدرت شیطانی تشخیص داد و در خطابه‌ها، نامه‌ها، بیانیه‌ها و محاوره‌هایش به عموم مخاطبان خود گوشزد کرد که آمریکا به همراه انگلیس و فرانسه، در سرزمین‌های اسلامی جنایت می‌کند و همه بدبختی‌های اعراب از همین جنایات ناشی می‌شود. بینش عمیق سیاسی - اجتماعی کاشف‌الغطاء و آگاهی او از مسائل جهانی در صورتی روشن‌تر می‌شود که شرایط آن روز و نقشه‌های مرموز استعمار انگلیس و آمریکا و همچنین

ضعف و رکود و خوابی که ملت‌های جهان به‌ویژه مسلمانان دچار آن هستند، مورد توجه قرار گیرد. با اینکه حضور آمریکا به‌عنوان یک دولت متجاوز و استعمارگر و یک ابرقدرت جهانی به‌صورت آشکار برای بسیاری از سیاست‌مداران نیز مجهول بود، کاشف‌الغطاء از روابط پنهانی آن دولت با اسرائیل خبر می‌دهد.

از نظر او، یکی از اصلی‌ترین نقش‌های یک مرجع دینی، مرتفع‌ساختن مشکلات سیاسی جوامع اسلامی و عهده‌دارشدن سیاست و ساماندهی آن و هشدار به مسلمانان از خطر استعمار و بردگی است. از منظر کاشف‌الغطاء، عالمان دین باید از حوادث جدیدی که در زندگی پرفرازونشیب انسان روی می‌دهد، استقبال کنند و ضمن استنباط حکم الهی، فقه را در تمام عرصه‌های زندگی وارد کنند.

دقت نظر کاشف‌الغطاء در شناخت دشمن و آگاهی از توطئه‌های آنان از ویژگی‌های بارز این فقیه زمان‌شناس است. همین ویژگی مهم است که جایگاه او را به‌عنوان عالمی دارای نظام فکری در حوزه اندیشه سیاسی اسلام و آشنا با شرایط زمان و مکان به صورتی شاخص نمایان ساخته است.

منابع

۱. آقابزرگ تهرانی، محسن. (۱۴۳۰ ق) طبقات اعلام الشیعه (نقباء البشر)، بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲. آل‌محبوب، شیخ جعفر الشیخ باقر. (۱۴۰۶ ق) ماضی النجف و حاضرها، بیروت: دار الأضواء.
۳. آوای بیداری؛ ویژه‌نامه چهلمین سال رحلت آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء. (۱۳۷۲ ش) تهران: روزنامه جمهوری اسلامی.
۴. امین عاملی، سیدمحسن. (۱۴۰۳ ق) اعیان الشیعه، تحقیق حسن امین عاملی، بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۵. بابانی بغدادی، اسماعیل بن محمد امین بن میرسلیم. (۱۴۱۰ ق) هدیه العارفین، بیروت: دار الفکر.
۶. بهشتی، احمد. (۱۳۷۰ ش) شخصیت و اندیشه‌های کاشف‌الغطاء (ترجمه آیات البینات)، قم: کانون نشر اندیشه‌های اسلامی.
۷. جعفریان، رسول. (۱۳۹۱ ش) «هشت دهه زندگی آیت‌الله شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء»،

- سایت خبر آنلاین (۲۵ خرداد ۱۳۹۱ ش).
۸. جمعی از پژوهشگران. (۱۳۸۵ ش) گلشن ابرار، قم: نشر معروف.
 ۹. جمعی از نویسندگان. (۱۳۶۷ ش) دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران: مرکز دایرة المعارف بزرگ اسلامی.
 ۱۰. حیدر نزار عطیه السید سلمان. (۲۰۰۷ م/ ۱۴۲۸ ق) الشیخ محمدحسین کاشف الغطاء و دوره الوطنی و القومي، نجف الاشرف: معهد العلمین للدراسات العلیا.
 ۱۱. خوانساری، محمدباقر موسوی. (بیتا) روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، تحقیق: اسدالله اسماعیلیان، تهران: مکتبه اسماعیلیان.
 ۱۲. داودی، مجتبی. (۱۳۹۶ ش) کاشف الغطاء و تقریب بین مذاهب، قم: بوستان کتاب.
 ۱۳. سبحانی، جعفر (زیر نظر). (۱۴۱۸ ق) موسوعه طبقات الفقهاء، قم: مؤسسه امام صادق (ع).
 ۱۴. سعیدی، غلامرضا. (۱۳۵۵ ش) مصاحبه با استاد غلامرضا سعیدی، قم: شفق.
 ۱۵. سماک امانی، محمدرضا. (۱۳۸۳ ش) کاشف الغطاء: اذان بیداری، تهران: مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.
 ۱۶. صدر حاج سیدجوادی، احمد. (۱۳۸۶ ش) دایرة المعارف تشیع، تهران: حکمت.
 ۱۷. طهوری، مهدی. (۱۳۸۲ ش) کاشف الغطاء، تهران: انتشارات مدرسه.
 ۱۸. عقیقی بخشایشی، عبدالرحیم. (۱۳۷۲ ش) فقهای نامدار شیعه، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
 ۱۹. کاشف الغطاء، محمدحسین. (۱۳۴۵ ش) کنفرانس مذهبی لبنان و ملت فلسطین، ترجمه مصطفی زمانی، قم: انتشارات پیام اسلام.
 ۲۰. _____ . (۱۳۷۲ ق/ ۱۹۵۳ م) الفردوس الاعلی، تعلیق سیدمحمدعلی القاضی الطباطبایی، تبریز: مطبعه الرضایی.
 ۲۱. _____ . (۱۳۷۳ ق/ ۱۹۵۴ م) المثل العلیا فی الاسلام لافی بحمدون، نجف: مطبعه الحیدریه.
 ۲۲. _____ . (۱۳۸۰ ق) جنه الماوی، تجمیع و تعلیق سیدمحمدعلی القاضی الطباطبایی، تبریز: مطبعه شرکت چاپ کتاب.
 ۲۳. _____ . (۱۳۸۴ ش/ ۲۰۰۵ م) اصل الشیعه و اصولها، تحقیق محمد جعفر شمس الدین، تهران: الاعتماد الکاظمی.

۲۴. _____ . (۱۳۸۹ ق/ ۱۳۹۶ م) قضیه فلسطین الكبرى فی خطب الامام الراحل محمدحسین کاشف الغطاء، نجف: نعمان.
۲۵. _____ . (۱۳۹۲ ش) منزلگاه بهشت (جنه الماوی)، ترجمه اصغر قائدان، تهران: شرکت چاپ و نشر بین الملل سازمان تبلیغات اسلامی.
۲۶. _____ . (۱۳۹۴ ش) بند بند سرگذشتیم؛ ترجمه زندگینامه خودنوشت و خاطرات علامه کاشف الغطاء، ترجمه علی شمس، تهران: موسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی.
۲۷. _____ . (۱۳۹۷ ق) جنه الماوی، تعلیق و ترتیب سیدمحمدعلی القاضی الطباطبائی، تبریز: شفق.
۲۸. _____ . (۱۴۱۳ ق) اصل الشیعه و اصولها، به اهتمام محمدجعفر شمس‌الدین، بیروت: دار الاضواء.
۲۹. _____ . (۱۴۱۸ ق/ ۱۹۹۸ م) العباقت العنبریه فی الطبقات الجعفریه، تحقیق جودت قزوینی بیروت: بیسان للنشر و التوزیع.
۳۰. _____ . (۱۴۱۹ ق/ ۱۳۷۷ ش) مقتل الحسین (ع)، تحقیق هادی الهلالی، قم: الشریف الرضی.
۳۱. _____ . (۱۴۲۴ ق/ ۲۰۰۳ م) المراجعات الریحانیه، تحقیق و تعلیق سیدمحمدعبدالحکیم صافی، بیروت: دار الهادی.
۳۲. _____ . (۱۴۳۱ ق/ ۲۰۱۰ م) المجالس الحسینیة، تحقیق احمد علی مجید الحلی، بیروت: موسسه الاعلمی للمطبوعات و مکتبه و دار مخطوطات العتبه العباسیه المقدسه.
۳۳. _____ . (۱۴۳۳ ق/ ۲۰۱۲ م) عقود حیاتی، نجف: مکتبه الامام کاشف الغطاء العامه.
۳۴. _____ . (۱۴۳۷ ق/ ۲۰۱۵ م) الرحله الحجازیه او نهزه المسافر و نزهه المسامر، نجف: مکتبه الامام کاشف الغطاء العامه.
۳۵. _____ . (۱۴۴۰ ق/ ۲۰۱۸ م) رساله فی الجمع بین الحکم الظاهری و الواقعی، کربلاء: مکتبه و دار مخطوطات العتبه العباسیه المقدسه و مکتبه الامام کاشف الغطاء العامه.
۳۶. _____ . (۱۹۵۴ م/ ۱۳۷۳ ق) محاوره الامام المصلح الشیخ کاشف الغطاء مع السفیرین البریطانی و الامریکی فی بغداد، نجف: مطبعه الحیدری.
۷۳. _____ . (بی تا الف) نامه امام کاشف الغطاء به آمریکا (نمونه‌های اخلاقی در اسلام

است نه در بجمدون)، بی‌جا: بی‌نا.

۳۸. _____ . (بی‌تا) نطق تاریخی حضرت آیت‌الله کاشف‌الغطاء در کنفرانس اسلامی پاکستان، ترجمه سیدجلال‌الدین فارسی، مشهد: چاپخانه زوار.
۳۹. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ ق) کافی، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۰. محمد حرزالدین. (۱۴۰۵ ق) معارف الرجال فی تراجم العلماء والادباء، قم: مکتبه آیه‌الله مرعشی نجفی.
۴۱. مدرس تبریزی، محمدعلی. (۱۳۷۴ ش) ریحانه الأدب، تبریز: انتشارات خیام.
۴۲. میرخلیلی، سیدجواد. (۱۳۹۶ ش) اندیشه سیاسی علامه محمدحسین کاشف‌الغطاء، قم: بوستان کتاب.
۴۳. ورعی، سیدجواد و عقیفی، حبیب. (۱۳۹۷ ش) احوال، افکار و آثار علامه شیخ محمدحسین کاشف‌الغطاء، قم: موسسه کتاب‌شناسی شیعه.